

# افول و انحطاط تمدن‌ها

## از دیدگاه امام علی (ع)

دکتر سید محمدعلی ایازی

پژوهشگر حوزه دین

مقدمه ۲

الات



متن ویراسته سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدعلی ایازی که به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) نمایندگی استان اصفهان، با همکاری کانون حسنات در تاریخ پنجشنبه ۱۳۹۳/۹/۲۷ در محل نگارستان حضرت امام خمینی (ره) برگزار گردید.<sup>۱</sup>

### مقدمه

امروز شرایط خاصی بر جامعه اسلامی ما حاکم است. همواره جوامع از افراط‌ها و تفریط‌ها و تحجرگرایی دینی رنج برده که نمونه اخیر آن رفتارهای تندروانه جریان‌های مذهبی در میان پیروان عقاید و مذاهب است. حرکت داعش در جهان اسلام یکی از نگرانی‌های ما است و برخی از جریان‌های مذهبی شیعی که به اسم ولایت با توهین به مقدسات عقاید دیگران همراه است، در این سوی نگرانی می‌توان مشاهده کرد. بدون تردید این دو جریان در تشدید نزاع‌های مذهبی مؤثر بوده و به تقابل و رویارویی بیشتر انجامیده است. در تاریخ اسلام، جامعه اسلامی از بدو تشکیل حکومت اسلامی در مدینه از این جریان انحرافی به دور نبوده و در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام شاهد فراز و فرود این جریان هستیم، به‌ویژه در دوره معاصر ایران جریان تحجر به سوی ریشه‌دارتر و تنومندتر شدن در حرکت است. در این گفتار تأکید بر نوعی از تحجر دینی و عوامل انحطاط است که نگاه سطحی و ظاهرگرایانه و سلفی به دین و مذهب دارد و هیچ تحول و نوآوری و حتی تحول مبتنی بر اصول را بر نمی‌تابد. این جریان در تاریخ تشیع سابقه داشته، یکی در دوره صفویه که منجر به جریان اخباریگری گردید و امروز که به شکل دیگری رشد و نضج گرفته است.

تحجر از جمله جریان‌های مخالف با تفکر و نهضت امام

تجبر از جمله جریان‌های مخالف با تفکر و نهضت امام خمینی (ره) به شمار می‌رود؛ از این رو امام به موازات حرکت سیاسی اش، با صراحت و جدیت بیشتر به مبارزه و مقابله با جریان تجبرگرایی برخاست. این رویکرد امام در برخورد با تجبر پس از پیروزی انقلاب افزایش یافت و به ویژه در اواخر عمرش در پیام تاریخی منشور روحانیت درباره این جریان فرمودند: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران، نخورده است». به همین دلیل ایشان که یکی از این کانون‌ها را حوزه‌های دینی می‌داند در سخنانی اشاره می‌کند که یکی از معضلات عمده در باب احیای دین و اندیشه اسلامی، وجود تجبرگرایان و مقدس‌نماهاست. امام خمینی در گوشزد کردن خطر این افراد برای دین و نظام، این چنین می‌فرماید: «امروز عده‌ای با ژست مقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تجبرگرایان و مقدس‌نمایان احق در حوزه‌های علمیه کم نیست.»

با این مقدمه به سراغ موضوع اصلی خودم بروم. یکی از مباحث مطرح در حوزه فلسفه تاریخ، شناسایی افول و سقوط و انحطاط دولت‌ها و قوانین حاکم بر آنها است. این موضوع در قرآن کریم و برخی منابع حدیثی مطرح شده است. یکی از این منابع حدیثی که به گستردگی این موضوع در آن بیان شده، کتاب *نهج البلاغه* سید رضی گردآوری شده از سخنان امیرمؤمنان (ع) است، که گسترده‌ترین مباحث افول و سقوط جوامع و حکومت‌ها را از نگاه امام علی (ع) نقل کرده است. این روایات که در قالب خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت نقل شده، برخی به صورت کلی و برخی شرایط و احوال دوران آن حضرت و هشدار برای برگشت به جاهلیت و ارتجاع است. این شناسایی از طریق علائمی است که جامعه ستم‌زده را از جامعه عدل محور و آزاد و آباد جدا می‌کند. بررسی این نکات کمک می‌کند که آنها را در جوامع معاصر شناسایی کرده و برای تعیین علائم به کلمات آن حضرت به عنوان قانونی تاریخی استناد و مراجعه کنیم. این علائم برخی بیان‌کننده نشانه‌های انحطاط و برخی توصیف و تحلیل مسائل مرتبط با حکومت از اخلاقیات و ارزش‌های حاکم بر چنین جوامعی است که نظام جوامع استبدادی و ستم‌زده را تشکیل می‌دهد.

### ۱. نشانه‌های انحطاط جامعه

نخستین پرسش این است که مهمترین علامت انحطاط یک نظام چیست و چگونه می‌شود که جامعه به سمت اضمحلال پیش می‌رود و رفتار حاکمان سازنده چنین وضعیتی است. امام

علی در سخنی به دو ویژگی اشاره و می‌فرماید: *يَسْتَدِلُّ عَلَى ادبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعُ الْأَصُولِ وَ التَّمَشُّكُ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمُ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرُ الْأَفَاضِلِ*.<sup>۲</sup> (نامه ۵۳).

چهار چیز، نشانه انحطاط دولت‌ها است، ضایع کردن اصول؛ چسبیدن به فروع؛ مقدم داشتن افراد فرومایه و پست؛ کنار زدن افراد با فضیلت.

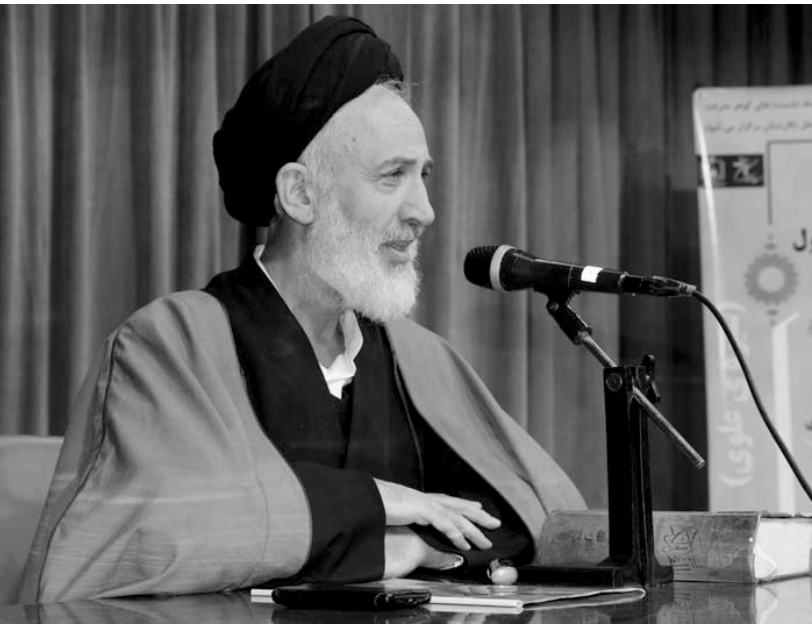
منظور از ضایع کردن اصول و چسبیدن به فروع، چیست؟ نخستین مفهوم آن ترجیح و سرگرم شدن و تکیه بیش از اندازه به ظواهر، شعائر و مسائل غیربنیادی و فراموش کردن ارزش‌ها است. جایگزینی شریعت به جای اخلاق. در مدیریت و برنامه‌ریزی به جای تکیه بر کارهای اصلی و بنیادی در اقتصاد، روی آوردن به کارهای صوری و ترویج اقتصاد تکدی‌پروری به جای رونق تولید.

نمونه دیگر تشدید اختلاف‌های مذهبی است. بعد از جنگ‌های صلیبی، غربی‌ها برای جلوگیری از قدرت مجدد مسلمانان و گسترش اسلام در قلب اروپا، بهترین چاره را تقسیم امپراتوری اسلام به کشورهای متعدد دیدند. استعمار نو نیز با همین روش ملی‌گرایی و امروز با دعوی شیعه و سنی در بین کشورهای اسلامی، آنها را بدین تلقیات پوچ و واهی واداشته و با ایجاد درگیری‌های مذهبی در بین مسلمین، آنها را از توجه به حرکت خزنه در غارت و تاراج سرزمین‌های اسلامی منحرف کردند.

منظور از تقدیم الأرادل و تأخیر الأفاضل، چیست؟ شاید این فراز روشن‌تر باشد و جمله‌ای دیگر در توصیف امام بیانگر وجهی دیگر از این کلام است که می‌فرماید: *عالمه مُلْجَمٌ وَ جاهله مُكْرَمٌ*.<sup>۳</sup>

امام در اشاره به نوعی از تحول ارزش‌های اجتماعی و نشان دادن نمونه دیگر نشانه‌های انحطاط می‌فرماید: *إِنَّمَا النَّاسُ إِنَّمَا قَدْ أَضْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عَنُودٍ وَ زَمَنٍ كَنُودٍ يَعُدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا وَ يَزِدُّهُ الظَّالِمُ فِيهِ عُنُودًا لَا تَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا وَ لَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا وَ لَا نَتَخَوَّفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحُلَّ بِنَا*.<sup>۴</sup> ای مردم، در روزگاری کینه‌توز، و پر از ناسپاسی و کفران نعمت‌ها، صبح کرده‌ایم، که نیکوکار، بدکار به شمار می‌آید، و ستمگر بر تجاوز و سرکشی خود می‌افزاید، نه از آنچه می‌دانیم بهره می‌گیریم، و نه از آنچه نمی‌دانیم، می‌پرسیم، و نه از هیچ حادثه مهمی تا به ما فرود نیاید، می‌ترسیم.

این بیان حضرت چهره‌ای دیگر از جامعه آفت‌زده و نظام از هم گسیخته استبدادی است.



فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبِدَاةِ، وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ، وَلَا تَنْظُنُّوا بِي اسْتِثْقَالَ فِي حَقِّي قَبِيلِ لِي، وَلَا الْيَمَاسَ إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مِنَ اسْتِثْقَالِ الْحَقِّ أَنْ يُقَالَ لَهُ، أَوْ الْعَدْلُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانِ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ، فَلَا تُكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقِّي أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلِي.<sup>۹</sup>

آن سان که با جباران سخن می‌گویند، با من سخن مگویید و از من پنهان مدارید آنچه را از مردم خشمگین، به هنگام خشمشان پنهان می‌دارند. نیز به چاپلوسی و تملق با من آمیزش مکنید.

#### ۴. ذلت و خواری برای همراهی‌کنندگان

در مسیر حرکت امام (علیه‌السلام) به شام در جنگ صفین، عده‌ای از دهقانان شهر انبار به امام (علیه‌السلام) برخورد کردند، از اسبان و اشتران خود پیاده شدند و پیشاپیش آن حضرت می‌دویدند.

حضرت فرمود: چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: این کار در فرهنگ و عادت ما، برای بزرگداشت و احترام فرمانروایان است. حضرت فرمود: وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ وَإِنَّكُمْ لَتَشْفُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشْفُونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ وَأَرْبَحَ الدَّعَاةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ. به خدا سوگند که امیران شما از این کار سودی نبردند، و شما در دنیا با آن، خود را به زحمت می‌افکنید و در آخرت، دچار رنج و زحمت می‌گردید، و چه زیان‌بار است رنجی که عذاب در پی آن باشد، و چه سودمند است آسایشی که با آن، امان از آتش جهنم باشد.

#### ۵. هدف وسیله را توجیه نمی‌کند

برای حفظ نظام و حکومت خود، به هر وسیله‌ای از آن جمله دروغ و تهمت دست بزند و یا دستور شکنجه و آزار شهروندان را بدهد، یا اعتراف‌های دروغین از آنان بگیرد. این نوع از بیانات امام هم خود گونه‌ای از تعلیم ارزش هاست: أَمَا زُورِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ فَيَمُنَّ وَيُؤَيِّتُ عَلَيَّ! وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا

#### ۲. حق در برابر مسؤولیت

یکی از مباحث مهم ضرورت پاسخگویی حکومت در برابر حق حکومت است. امام در این زمینه می‌فرماید: فَالْحَقُّ ... لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ، وَلَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَلَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ.<sup>۵</sup> حق به نفع کسی جریان نمی‌یابد جز اینکه در مقابل برایش «مسؤولیتی» به وجود می‌آورد. و حق بر زبان کسی جاری نمی‌شود جز اینکه به همان اندازه به سود او جریان می‌یابد.

#### ۳. حق انتقاد شهروندان

امیر مؤمنان از حق شهروندان از نصیحت حاکمان سخن می‌گوید و این نکته را با بیان حق مردم در بیان نظرات خود بیان می‌کند: فَلَا تُكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقِّهَا وَمَشُورَةٍ بِعَدْلٍ فَإِنَّ يَلْسَنَتِي نَفْسِي فَوْقَ أَنْ أُخْطَىءَ وَلَا أَمْنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِي اللّٰهُمَّ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهٖ مِنِّي؟ «پس، از گفتن سخن حق یا مشورت عدالت‌آمیز خودداری نکنید؛ زیرا من خوبش را مافوق آنکه اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر اینکه خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن تواناتر است.

امام خطاب به فرمانروای مصر (مالک اشتر نخعی) ضمن ارائه راهکارهای رسیدن جامعه به سعادت و کرامت، سفارش می‌کند که: وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تُكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَعْمَلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛ مهربانی با مردم را شعار (پوشش) دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان درنده‌ای باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.<sup>۷</sup>

امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عُنُودٍ وَ زَمَنٍ كُنُودٍ يَعْدُ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا وَ يَزْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُتُوًّا لَا نَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا وَ لَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا وَ لَا تَتَخَوَّفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحُلَّ بِنَا. ای مردم، در روزگاری کینه‌توز، و پر از ناسپاسی و کفران نعمت‌ها، صبح کرده‌ایم، که نیکوکار، بدکار به شمار می‌آید، و ستمگر بر تجاوز و سرکشی خود می‌افزاید، نه از آنچه می‌دانیم بهره می‌گیریم، و نه از آنچه نمی‌دانیم، می‌پرسیم، و نه از هیچ حادثه مهمی تا به ما فرود نیاید، می‌ترسیم.<sup>۸</sup>

از آنجا که گاه انحراف جامعه از اصول صحیح اخلاقی سبب دگرگون شدن ارزش‌ها می‌شود، تا آنجا که عوام‌فریبی و بازی با کلمات و نیرنگ را نوعی ذکاوت و هوشیاری می‌شمرند و پایبند بودن به عهد و پیمان و تأکید بر ارزش‌ها را ساده‌لوحی می‌انگارند، امام علیه‌السلام در ادامه این سخن چنین می‌فرماید: «ما در زمانی زندگی می‌کنیم که غالب اهلش خیانت و پیمان‌شکنی را کیاست و عقل می‌شمارند، و جاهلان بی‌خبر این‌گونه افراد را مدیر و مدبّر می‌خوانند. آری نظام ارزشی جامعه که معیاری است برای سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها اگر واژگون گردد، ظهور چنین پدیده‌هایی در آنجا دور از انتظار نیست، معروف منکر می‌شود، و منکر معروف.